

اثر سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا

زهرا (میلا) علمی^۱، محبوبه قربانی^۲

چکیده

با ظهور مکتب "نهادگرایان جدید" به نقش نهادها و به خصوص سرمایه اجتماعی در رشد و عملکرد اقتصادی توجه بیشتری شده است. شواهد موجود در مطالعات آرون^۳ (۲۰۰۰) و بارو^۴ (۱۹۹۶)، نشان می‌دهند که نهادهای سیاسی و نهادهای اقتصادی ضعیف، مانع رشد اقتصادی برخی کشورها بوده‌اند. هم‌چنین بر اساس اندیشه نهادی نورث^۵ بازده فعالیت‌های سیاسی که همان اعتماد و مشارکت است تأمین‌کننده سرمایه اجتماعی است. لزوم توجه به سرمایه اجتماعی در اقتصاد از آنجا آشکار می‌شود که مشکل کشورهای در حال توسعه در فقدان سرمایه‌های اقتصادی (فیزیکی) و انسانی نیست، بلکه فقدان سرمایه اجتماعی است، که سبب شده سایر سرمایه‌ها اثربخشی کامل خود را از دست بدهند. امروزه سرمایه اجتماعی به عنوان یک اصل محوری برای دستیابی به رشد اقتصادی بالا و توسعه محسوب می‌شود و بدون آن، پیمودن راه‌های توسعه و رشد اقتصادی دشوار می‌شود. بنابراین، در مقاله حاضر تأثیر سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی برای کشورهای منتخب خاورمیانه و شمال آفریقا و با استفاده از روش داده‌های تابلویی برای دوره زمانی ۱۹۹۶ تا ۲۰۱۲ بررسی شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی اثر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی دارد. بنابراین دولت‌ها باید برای دستیابی به رشد اقتصادی، به شرایط اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی مطلوب برای شکل‌گیری سرمایه اجتماعی توجه نمایند.

واژگان کلیدی: سرمایه اجتماعی، رشد اقتصادی، روش داده‌های تابلویی، کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۰۳/۲۹

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۰۹/۱۱

^۱ دانشیار گروه اقتصاد نظری دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول) (Email: Zelmila@yahoo.com)

^۲ کارشناس ارشد علوم اقتصادی دانشگاه مازندران (Email: Mahbobe_ghorbani@yahoo.com)

^۳ Aron

^۴ Barro

^۵ North

مقدمه

رشد و توسعه اقتصادی جوامع مرهون عوامل گوناگونی است که شناسایی دقیق و جهت اثرگذاری آن‌ها می‌تواند دست‌یابی به رشد و توسعه را تسهیل نماید. تفاوت رشد تولید ناخالص ملی بین کشورهای مختلف موسوم به معمای رشد شده است، به طوری که حدود ۴۰ تا ۶۰ درصد از رشد را نمی‌توان از طریق عوامل تولید تبیین نمود (سوری، ۱۳۹۳: ۵۰). در این راستا نورث، نقش نهادهای رسمی و غیر رسمی را در تبیین عملکرد اقتصادی بسیار مهم می‌داند، که یکی از مفاهیم سرمایه اجتماعی است که نقش آن در عملکرد اقتصادی، هم در سطح خرد و هم در سطح کلان قابل توجه می‌باشد. به طور معمول پندارها بر آن است که سرمایه طبیعی، سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی که به عنوان ثروت یک ملت شناخته می‌شود، زیر بنای رشد و توسعه اقتصادی می‌باشند. در حالی که این سه نوع سرمایه، فقط بخشی از فرآیند رشد اقتصادی را تعیین می‌کنند. چرا که سرمایه اجتماعی عاملی برای تعامل بیشتر سایر سرمایه‌ها در کنار یکدیگر می‌باشند. بنابراین برای بررسی اختلاف رشد میان کشورهایی که از نظر آن سه دسته سرمایه، دارای وضعیت یکسانی هستند، باید به دنبال حلقه مفقوده دیگری بود که آن حلقه مفقوده، سرمایه اجتماعی است (علمی و همکاران، ۱۳۸۴: ۲۴۵).

مفهوم سرمایه اجتماعی، مفهومی فرارشته‌ای است که از آغاز دهه نود میلادی مورد توجه بسیاری از شاخه‌های علوم انسانی، از جمله اقتصاد قرار گرفته است. با ظهور مکتب نهادگرایان جدید، به نقش نهادها و به خصوص سرمایه اجتماعی در رشد و توسعه اقتصادی توجه بیشتری شده است. عدم وجود محیطی سالم و قابل اعتماد برای انجام فعالیت‌های اقتصادی و فقدان سرمایه اجتماعی، مانع اصلی رشد کشورهای در حال توسعه محسوب می‌شود. در مبادلات اقتصادی وجود اعتماد که یکی از پیامدهای سرمایه اجتماعی است، می‌تواند نقش مهمی در کاهش پیچیدگی‌های حاکم بر آن داشته باشد. اعتماد با گسترش و اشاعه‌ی ویژگی‌های منحصر به فرد خود، زمینه نظم اجتماعی در سطح کلان را فراهم می‌آورد. سرمایه اجتماعی دارای تاثیرات و کارکردهای متفاوتی است که به صورت مستقیم و غیرمستقیم عملکرد و رشد اقتصادی را تحت تاثیر قرار می‌دهد. سرمایه اجتماعی از طریق عواملی چون افزایش ساخت و انباشت سرمایه انسانی، افزایش نوآوری و خلاقیت، افزایش کارایی عملکرد دولت، توسعه مالی، گردش اطلاعات و جلوگیری از شکست بازار، می‌تواند بر عملکرد اقتصاد یک کشور اثرگذار باشد. با توجه به اهمیت و جایگاه سرمایه اجتماعی در رشد و توسعه کشورها، در این مطالعه به بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا پرداخته خواهد شد. این مقاله پس از مقدمه و بیان اهمیت موضوع، به پیشینه تحقیق در دو بعد نظری و تجربی می‌پردازد. بعد از توصیف داده‌ها و الگوی تحقیق و برآورد آن ارائه می‌شود. در نهایت پایان بخش این نوشتار، نتیجه‌گیری و پیشنهادات است.

ادبیات موضوع

مبانی نظری

حلقه اتصال سرمایه اجتماعی به اقتصاد، مبادله است. سرمایه اجتماعی شرایطی را به وجود می‌آورد که فرد در مبادله، از ربودن فرصت‌ها به دلیل خسارتی که متوجه طرف مورد مبادله می‌شود، خودداری کند و این مسئله او را در مبادله قابل اعتماد می‌سازد به نحوی که هزینه کنترل رفتار و نظارت بر طرف مبادله (هزینه مبادله) را کاهش می‌دهد (فرانکوئیس^۱، ۲۰۰۲).

فوکویاما^۲ اعتقاد داشت که هزینه مبادله، هزینه‌ای است که در صورت فقدان سرمایه اجتماعی در سازمان‌ها و جوامع گسترش پیدا خواهد کرد. وی اعتقاد داشت که جوامع و شبکه‌هایی که روابط مبتنی بر اعتماد بین آنها وجود ندارد، مجبورند بر پایه اتصالات رسمی و قراردادهای دفتری، به نظم و تعادل برسند. بدین ترتیب آنان در کنش‌های اجتماعی مجبور به استفاده از قراردادهای از پیش تنظیم شده و هزینه‌های همراه آن خواهند بود و این هزینه‌ها، هزینه‌هایی هستند که در صورت وجود سرمایه اجتماعی و اعتماد، وجود نخواهد داشت (فوکویاما، ۱۹۹۹). اما سرمایه اجتماعی خود چیست؟ و چگونه بر رشد اقتصادی اثرگذار است؟

¹ Francois

² Fokoyama

مفهوم سرمایه اجتماعی

بر اساس پاتنام^۱ (۱۹۹۵)، سرمایه اجتماعی اغلب محصول جانبی دیگر فعالیت‌های اجتماعی می‌باشد. این سرمایه به طور معمول در پیوندها، هنجارها و اعتمادها تشکیل می‌شود و از یک شرایط اجتماعی به شرایط دیگر انتقال پذیراست. پاتنام سرمایه اجتماعی را بر اساس منابع آن تعریف می‌کند. وی به سرمایه اجتماعی به صورت کلان نگاه می‌کند و سرمایه اجتماعی را در رشد و توسعه اقتصادی کشور مؤثر می‌داند و به این لحاظ تعریف او جمعی بوده و سرمایه اجتماعی را به منزله دارایی گروه‌ها و جوامع تلقی می‌کند.

کلمن^۲ (۱۹۸۸)، سرمایه اجتماعی را بر مبنای کارکردش تعریف می‌کند و آن را به عنوان یکی از انواع سرمایه در نظر می‌گیرد و می‌گوید: درست همان طور که سرمایه فیزیکی به تغییراتی در مواد مختلف برای شکل دادن به ابزارهایی که کارشان تسهیل تولید است منجر می‌شود، سرمایه انسانی هم تغییراتی در اشخاص (مهارت‌ها و قابلیت‌های اشخاص) پدید می‌آورد که آنان را قادر می‌سازد تا به شیوه‌های تازه‌ای عمل کنند، سرمایه اجتماعی باعث تغییر در روابط میان اشخاص و تسهیل روابط بین آن‌ها می‌شود. کلمن در آثار خود به سرمایه اجتماعی از جنبه‌ی کالاهای عمومی نگاه می‌کند و این بدان معنی است که این نوع سرمایه در رابطه با کنش‌های هدفمند، در موقعیتی متفاوت با دیگر اشکال سرمایه قرار دارد.

بورديو^۳ (۱۹۸۶)، سرمایه اجتماعی را به عنوان یکی از انواع سرمایه در کنار سرمایه فیزیکی و انسانی در نظر می‌گیرد که تحت برخی شرایط، به سرمایه فیزیکی تبدیل می‌شود. وی می‌گوید: سرمایه اجتماعی جمع منابع واقعی یا بالقوه‌ای است که حاصل شبکه‌های بادوام از روابط کم و بیش نهادینه شده آشنایی و شناخت متقابل است. شبکه‌ای که هر یک از اعضای خود را از پشتیبانی سرمایه جمعی برخوردار می‌کند و آنان را مستحق اعتبار می‌سازد.

فوکویاما معتقد است تعاریف سرمایه اجتماعی به نموده‌های آن اشاره دارد و تعریفی که ایشان ارائه می‌نماید چنین است: سرمایه اجتماعی شکل و نمونه ملموسی از یک هنجار غیر رسمی است که باعث ترویج همکاری بین دو یا چند نفر می‌شود. هنجارهای تشکیل دهنده سرمایه اجتماعی می‌تواند از هنجار روابط متقابل دو دوست تا آموزه‌های پیچیده را در برگیرد. با این تعریف، اعتماد، شبکه‌ها، جامعه مدنی و ... که به سرمایه اجتماعی مربوط می‌شوند، محصول جانبی این پدیده هستند که در نتیجه سرمایه اجتماعی به وجود می‌آید؛ ولی خود سرمایه اجتماعی را تشکیل نمی‌دهد. وی می‌گوید: سرمایه اجتماعی را به سادگی می‌توان به عنوان مجموعه بعضی از هنجارها یا ارزش‌های غیررسمی تعریف کرد. هنجارهایی که تولید سرمایه اجتماعی می‌کنند به طور اساسی باید شامل سجایای صداقت، ادای تعهدات و ارتباطات دوجانبه باشند (فوکویاما، ۱۹۹۹).

بانک جهانی^۴ نیز سرمایه اجتماعی را پدیده‌ای می‌داند که حاصل تأثیر نهادهای اجتماعی، روابط انسانی و هنجارها بر کمیت و کیفیت تعاملات اجتماعی است و تجارب این سازمان نشان داده است که این پدیده تأثیر قابل توجهی بر اقتصاد و توسعه کشورهای مختلف دارد. سرمایه اجتماعی برخلاف سایر سرمایه‌ها به صورت فیزیکی وجود ندارد؛ بلکه حاصل تعاملات و هنجارهای گروهی و اجتماعی بوده و از طرف دیگر افزایش آن می‌تواند موجب پایین آمدن جدی سطح هزینه‌های اداره جامعه، و نیز هزینه‌های عملیاتی سازمان‌ها گردد (بانک جهانی، ۱۹۹۹).

سرمایه اجتماعی و رشد اقتصادی

در ادبیات رشد اقتصادی تولید تابعی از سرمایه و نیروی کار و در فرم تعدیل شده آن تابعی از سرمایه انسانی است. فرض ضمنی نظریه نئوکلاسیکی این است که هزینه‌های معاملاتی وجود ندارد یا ناچیز است. در چنین فضایی هر مدیری با ترکیب عوامل تولید (سرمایه

¹ Putnam

² Coleman

³ Bourdieu

⁴ World Bank

فیزیکی و سرمایه انسانی) کالای مورد نظر خود را تولید می‌کند. این نگرش به شدت وابسته به نگرش‌های خاص خود می‌باشد که بر اساس آن دولتی وجود دارد که چارچوبی را برای فعالیت‌های اقتصادی تعریف و از آن حمایت می‌کند. اگر مشکلی برای تولیدکنندگان به وجود آید، در چارچوب مورد نظر به سادگی به حل و فصل آن می‌پردازد.

با ورود سرمایه اجتماعی در ادبیات اقتصادی، این سرمایه به اشکال مختلفی در مدل‌های رشد اقتصادی وارد گردید. ایشی و سودا^۱ (۲۰۰۸) با گسترش دادن مدل رشد تعمیم یافته سولو که توسط منکیو، رومر و ویل^۲ ارائه شد، به چگونگی تأثیر سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی پرداخته‌اند. مدل ارائه شده توسط آنان، از سه نوع سرمایه فیزیکی، انسانی و اجتماعی تشکیل شده است که به ترتیب با $K_s(t), K_h(t), K_k(t)$ نشان داده می‌شود.

استفاده از تابع تولید CES انعطاف‌پذیر با فرض بازدهی ثابت نسبت به مقیاس، تابع تولید کاب-داگلاس با متغیرهای سرمایه فیزیکی، انسانی و سرمایه اجتماعی و پارامترهای β, α و γ به صورت رابطه‌ی (۱) به دست می‌آید:

$$Y(t) = K_k(t)^\alpha K_h(t)^\beta K_s(t)^\gamma (A(t)L(t))^{1-\alpha-\beta-\gamma} \quad (1)$$

فرض می‌شود که $\alpha, \beta, \gamma \in [0, 1]$ و $\alpha + \beta + \gamma \in [0, 1]$ باشد. هم‌چنین نرخ استهلاک برای انواع سرمایه با δ_i و نرخ پس‌انداز برای انواع سرمایه با s_i نشان داده می‌شود که $i = k, h, s$ است (ایشی و سودا ۲۰۰۸: ۴). هم‌چنین، فرض می‌شود که L و A به صورت درون‌زا با نرخ n و g رشد می‌کنند:

$$L(t) = L(0)e^{nt} \quad (2)$$

$$A(t) = A(0)e^{gt} \quad (3)$$

بنابراین نیروی کار مؤثر $A(t)L(t)$ با نرخ $n + g$ رشد می‌یابد (منکیو و همکاران، ۱۹۹۲).

حال معادله پایه‌ای سولو برای هر واحد نیروی کار مؤثر را به صورت رابطه ۴ استخراج می‌شود:

$$\tilde{k} = s_i \tilde{y} - (n + g + \delta_i) \tilde{k}_i \quad (4)$$

که در آن $y^\square = \frac{Y}{AL}$ و $k_i^\square = \frac{k_i}{AL}$ به ترتیب سرمایه‌ی سرانه‌ی مؤثر و تولید سرانه‌ی مؤثر است. درآمد سرانه‌ی مؤثر در تعادل بلندمدت به صورت رابطه ۵ می‌باشد:

$$y^\square = \left[\left(\frac{s_k}{n + g + \delta_k} \right)^\alpha \left(\frac{s_h}{n + g + \delta_h} \right)^\beta \left(\frac{s_s}{n + g + \delta_s} \right)^\gamma \right]^{\frac{1}{1-\alpha-\beta-\gamma}} \quad (5)$$

با فرض نرخ استهلاک برابر برای همه انواع سرمایه؛ به ازای هر i ، $\delta_i = \delta$ می‌باشد.

فرض دیگر این که $\ln A(t) = \ln A(0) + g_t$ و $\ln A(0) = \alpha + \varepsilon$ است، به طوری که $\varepsilon \approx N(0, \sigma_\varepsilon^2)$. حال لگاریتم درآمد سرانه به صورت رابطه‌ی ۶ نشان داده می‌شود.

$$\ln \left(\frac{Y_t}{L_t} \right)^* = \alpha + g_t + \left(\frac{\alpha}{1-\alpha-\beta-\gamma} \right) \ln(s_k) + \left(\frac{\beta}{1-\alpha-\beta-\gamma} \right) \ln(s_h) + \left(\frac{\gamma}{1-\alpha-\beta-\gamma} \right) \ln(s_s) - \left(\frac{\alpha+\beta+\gamma}{1-\alpha-\beta-\gamma} \right) \ln(n+g+\delta) + \varepsilon \quad (6)$$

¹ Ishise & Sawada

² Mankiw, Romer and Weil (MRW)

بر اساس معادله (۶)، اگر کشوری در سال t در تعادل بلندمدت باشد، لگاریتم درآمد سرانه می‌تواند به صورت تابع خطی از نرخ‌های پس‌انداز برای هر نوع سرمایه، نرخ رشد نیروی کار مؤثر به علاوه استهلاک $(n + g + \delta)$ ، یک عرض از مبدا $(a + gt)$ و جزء ثابت تصادفی گسترش یابد (ایشی و سودا، ۲۰۰۸: ۶).

پیشینه تحقیق

مطالعات متعدد مانند براون و آشمان^۱ (۱۹۹۶)، هلر^۲ (۱۹۹۶)، ناک و کیفر (۱۹۹۷)، اوستروم^۳ (۲۰۰۰)، آفولو^۴ (۲۰۰۰)، کریشنا و آفولو^۵ (۱۹۹۹)، و رز^۶ (۲۰۰۰) نشان دادند که کشورهایی با ذخایر نسبتاً بالا از سرمایه اجتماعی، در شرایط اعتماد عمومی و مشارکت مدنی گسترده، به نظر می‌رسد سطوح بالاتری از رشد را در مقایسه با جوامع با اعتماد عمومی و مشارکت مدنی ضعیف‌تر تجربه می‌کنند (به نقل از حیدری، ۱۳۹۲: ۶۱).

مطالعات انجام شده در خارج از کشور

شروع مطالعات مستقیم بر روی ارتباط میان سرمایه اجتماعی و رشد اقتصادی توسط پاتنام و هلیول صورت گرفته است (هلیول و پاتنام^۷، ۱۹۹۵).

- فوکویاما (۱۹۹۹)، این نظریه را مطرح کرد که تفاوت کشورها به لحاظ ساختار صنعتی‌شان بیش از آن که به سطح توسعه آن‌ها ربط داشته باشد، به سرمایه اجتماعی‌شان - یعنی میزان اعتمادورزی افراد جامعه به یکدیگر و هم‌چنین مشارکت آن‌ها در تشکیل گروه‌ها و انجمن‌های شهروندی - بستگی دارد. بر این اساس، وی تقسیم‌بندی جدیدی را از ملل جهان پیشنهاد می‌کند، که در آن کشورهایی چون تایوان، هنگ‌کنگ، ایتالیا و فرانسه در گروه کشورهای «کم‌اعتماد»، و جوامعی نظیر ژاپن، آمریکا و آلمان در گروه کشورهای «پراعتقاد» جای می‌گیرند. به تعبیر فوکویاما، سطح بالاتر اعتماد در یک جامعه، موجب پیدایش اقتصادی کارا تر می‌شود.
- ناک و کیفر^۸ (۱۹۹۷)، در یک بررسی بین‌کشوری شواهدی مبنی بر اهمیت سرمایه اجتماعی بر هر فعالیت قابل اندازه‌گیری اقتصادی ارائه کرده‌اند. این نتیجه حاصل بررسی شاخص‌های اعتماد و هنجارهای مدنی است که از "پیمایش ارزش جهانی" در بین ۲۹ کشور استخراج شده است. به عنوان مثال طبق این بررسی یک انحراف معیار افزایش در شاخص اعتماد یک کشور، رشد اقتصادی را بیش از نیم انحراف معیار افزایش می‌دهد. آن‌ها دریافتند که جوامعی با سطح بالاتر و توزیع یکنواخت‌تر در آمد که در آن‌ها نهادها مانع فعالیت‌های تجاوزکارانه‌ی قدرت‌ها می‌شوند و مردم از یکنواختی قومی بیشتری برخوردارند، اعتماد و هنجارهای مدنی قوی‌تر است.
- ویتلی^۹ (۲۰۰۰)، بیان نمود که تحقیقات نظری صورت گرفته در رشته‌های علمی مختلف نشان می‌دهند که سرمایه اجتماعی یا ارتباطات مبنی بر اعتماد بین شهروندان، نقش مهمی را توضیح بهره‌وری نهادها و عملکرد اقتصادی جوامع معاصر ایفا می‌کند. وی در مقاله خود با عنوان رشد اقتصادی و سرمایه اجتماعی، با استفاده از یک نمونه ۳۴ تایی کشورها در طول دوره‌ی ۱۹۹۲-۱۹۷۰ در چارچوب یک مدل کلاسیکی جدید رشد اقتصادی، به بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و رشد اقتصادی پرداخت.

¹ Brown and Ashman

² Heller

³ Ostrom

⁴ Uphoff

⁵ Krishna and Uphoff

⁶ Rose

⁷ Helliwell & Puntnam

⁸ Knack and keefer

⁹ Whiteley

- زاک و ناک^۱ (۲۰۰۱)، با افزایش ۱۲ کشور به نمونه‌ی ناک و کیفیر (۱۹۹۷)، نمونه‌ی مورد نظر خود را به ۴۱ کشور افزایش دادند. براساس نتایج این تحقیق، اعتماد، اثری مثبت و معنادار بر رشد اقتصادی داشته است.
- روستین^۲ (۲۰۰۳)، در مقاله خود به دنبال بیان رابطه بین سرمایه اجتماعی، رشد اقتصادی و کیفیت حکومت می‌باشد. او در این راه به گسترش بیان هر یک از مفاهیم اشاره شده در عنوان پژوهش می‌پردازد. او همچنین به بیان ارتباط بین "اعتماد" و "اعتماد تعمیم یافته" و رفتار دموکراتیک حکومت‌ها می‌پردازد.
- بولایلا و همکاران^۳ (۲۰۰۸)، به بررسی تجربی اثرات مستقیم و غیر مستقیم مفهوم چند بعدی سرمایه اجتماعی بر نرخ رشد درآمد سرانه در ۳۵ کشور جهان، اعم از توسعه یافته و در حال توسعه برای دوره ۲۰۰۰-۱۹۸۰ پرداخته‌اند. در این مطالعه از اعتماد به عنوان شاخص سرمایه اجتماعی استفاده شده است. اعتماد از طریق تأثیر بر سطح تحصیلات، توسعه مالی، انباشت سرمایه و توسعه سازمانی دولت بر رشد درآمد سرانه و در نهایت بر رشد اقتصادی اثرگذار است. بر اساس نتایج این پژوهش سطح اعتماد به عنوان شاخص سرمایه اجتماعی ارتباط مثبت و معناداری با رشد اقتصادی دارد.

مطالعات انجام شده در داخل کشور

- علمی و همکاران (۱۸:۱۳۸۴)، طی مطالعه‌ای با عنوان "سرمایه اجتماعی و چگونگی تأثیر آن بر اقتصاد" اثر سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی را از طریق اثر سرمایه اجتماعی بر سرمایه گذاری می‌دانند. به این معنی که سرمایه اجتماعی با فراهم کردن محیطی آرام و با ثبات از نظر اجتماعی و سیاسی، در مرحله اول بر سرمایه گذاری فیزیکی تأثیر گذاشته و در مرحله بعد، از طریق تغییر ایجاد شده در سرمایه گذاری، بر رشد اثر می‌گذارد.
- رحمانی و همکاران (۲۱:۱۳۸۶)، برای بررسی نحوه‌ی تأثیر گذاری سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی، آن را به دو گروه سرمایه اجتماعی درون گروهی و برون گروهی طبقه بندی کردند. بر اساس نتایج این مطالعه، با افزایش یک واحد عضویت افراد در انجمن‌ها و گروه‌ها، رشد اقتصادی ۱۲٪ افزایش داشته است. متغیر سرمایه اجتماعی درون گروهی نیز اثر منفی و معنی داری در سطح خطای ۵ درصد بر رشد داشته است.
- صفدری و همکاران (۳۹:۱۳۸۷)، در مطالعه خود برای نشان دادن اثر سرمایه‌ی اجتماعی بر رشد اقتصادی ایران بر اساس شاخص فوکویاما، از متغیرهای تعداد پرونده‌های محتومه‌ی چک‌های بلامحل و اختلاس و ارتشای سرانه به عنوان متغیر کاهش سرمایه‌ی اجتماعی استفاده کرده‌اند بر اساس ضرایب کوتاه مدت و بلند مدت، در هر دو مدل بین کاهش سرمایه‌ی اجتماعی و رشد اقتصادی رابطه‌ی معکوس وجود داشته است، به طوری که کشش GDP سرانه نسبت به چک‌های بلامحل برابر ۰/۱۶- و نسبت به پرونده‌های اختلاس و ارتشا برابر با ۰/۰۶ بوده است.
- صمدی و همکاران (۱۴۵:۱۳۹۱)، در مقاله‌ای به بررسی رابطه‌ی علیت میان سرمایه اجتماعی و سرمایه انسانی و رشد اقتصادی در کشور ایران طی دوره‌ی ۱۳۸۷-۱۳۵۰ پرداختند. نتایجی که آن‌ها از این مطالعه به دست آوردند، نشان می‌دهد که هر چند نتایج نسبت به انتخاب شاخص‌ها حساس هستند، اما با اغلب شاخص‌های نماینده‌ی سرمایه اجتماعی می‌توان نتایج زیر را ارائه کرد:

- سرمایه انسانی علت تشکیل سرمایه اجتماعی است.

- سرمایه اجتماعی و رشد اقتصادی با در نظر گرفتن نفت، رابطه‌ی علیت دو طرفه‌ای دارند.

¹ Zak and Knack

² Rothstein

³ Boulila, et al.

- علمی و تقی‌زاده (۱۳۹۲: ۱)، در مطالعه خود تحت عنوان تأثیر سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی ایران طی دوره‌ی ۱۳۸۷-۱۳۵۰، با استفاده از الگوی خودرگرسیون با وقفه توزیعی، در چارچوب مدل‌های رشد درون‌زا، اثر سرمایه اجتماعی به همراه سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی و صادرات و واردات را بر رشد اقتصادی بررسی نموده‌اند. آنان از شاخص تعداد چک‌های پرمخاطره (بلامحل) برای فقدان سرمایه اجتماعی استفاده نموده‌اند. نتایج حاصل از این مطالعه نشان می‌دهد، در بلندمدت ارتباط معکوس و معناداری میان کاهش سرمایه اجتماعی و رشد اقتصادی وجود دارد و همچنین در بلندمدت نقش سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی نسبت به سرمایه انسانی پررنگ‌تر می‌باشد.
- حیدری و همکاران (۱۳۹۲: ۵۷)، در مقاله‌ای با عنوان "سرمایه اجتماعی، سرمایه سلامت و رشد اقتصادی در کشورهای خاورمیانه" به بررسی اثر سرمایه اجتماعی و سرمایه سلامت و همچنین اثرات متقابل آنها بر روی رشد اقتصادی در دوره ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۰ پرداختند. نتایج تحقیق نشان داد که نه تنها سرمایه سلامت و سرمایه اجتماعی بر روی رشد اقتصادی مؤثر است بلکه ارتباط متقابل آنها، با توجه به اینکه از یک طرف، سرمایه اجتماعی باعث تقویت شاخص‌های سلامت روحی و جسمی افراد جامعه می‌شود، و از سوی دیگر، سلامت افراد جامعه در بهبود شاخص‌های اجتماعی مؤثر است، بر رشد و توسعه اقتصادی کشورها اثر مضاعفی دارد.
- سوری (۱۳۹۳: ۶۱)، در مطالعه خود با استفاده از آزمون علیت بین رشد اقتصادی و سرمایه اجتماعی نشان می‌دهد که در کوتاه مدت رشد اقتصادی عاملی برای ارتقا و بهبود سرمایه اجتماعی است. نتایج حاصل از تخمین توابع تولید و معادلات رشد نیز همگی نشان از اهمیت سرمایه اجتماعی دارند. ضریب سرمایه اجتماعی در تابع تولید و در معادله رشد همواره مثبت است که نشان‌دهنده اهمیت فضای فعالیت اقتصادی و روابط بین افراد در کنار سایر عوامل تولید دارد.

ارائه الگو و توصیف داده‌ها

ارائه الگو

در این تحقیق، از مدل ایشی و سودا (۲۰۰۸: ۴)، به عنوان مدل پایه استفاده شد و متغیرهای درجه باز بودن اقتصاد، اندازه دولت و تشکیل سرمایه ناخالص به آن اضافه گردید. بنابراین، الگوی نهایی به صورت رابطه‌ی (۷) است:

$$Y_{it} = \beta_1 + \beta_2 SC_{it} + \beta_3 HC_{it} + \beta_4 GCF_{it} + \beta_5 E_{it} + \beta_6 SG_{it} + \beta_7 ON_{it} + \varepsilon_{it} \quad (7)$$

که در آن Y_{it} رشد سالانه تولید ناخالص داخلی کشور i ام در زمان t به عنوان متغیر وابسته است. SC ، سرمایه اجتماعی، HC سرمایه انسانی، GCF تشکیل سرمایه ناخالص، SG اندازه دولت، E نیروی کار و ON درجه باز بودن اقتصاد، متغیرهای توضیحی مدل هستند. همچنین، ε_{it} جمله اخلاص یا جزء تصادفی نوفه‌ی سفید است. α و t به ترتیب معرف کشورها و زمان هستند. در این مطالعه، شاخص مورد استفاده برای سرمایه اجتماعی یک شاخص ترکیبی است که با استفاده از شاخص‌های حکمرانی و کیفیت نهادها شامل: ثبات سیاسی، میزان مشارکت مردم در امور کشور، میزان اثربخشی دولت، کیفیت مقررات و قوانین، حاکمیت قانون و کنترل فساد ایجاد شده است. انتخاب این شاخص برای سرمایه اجتماعی با توجه به تحقیقات رایس و سامبرینگ (۱۹۹۷)، هلیول و پاتنام (۱۹۹۵)، پاتنام (۲۰۰۰، ۱۹۹۳) و نایک (۲۰۰۲) که به ارتباط و همبستگی سرمایه اجتماعی با شاخص‌های حکمرانی خوب و کیفیت نهادها اتفاق نظر داشته‌اند، صورت گرفته است.

همچنین، متوسط سال‌های تحصیل به عنوان جانشین سرمایه انسانی در نظر گرفته شد که داده‌های آن از بارو-لی^۳ (داده‌های بانک جهانی ۲۰۱۱) اخذ شده است. محاسبات روش بارو-لی در مقاطع زمانی پنج ساله، برآورد شده‌اند که در این مطالعه آمار سال‌های ۱۹۹۵،

¹ Rice & Sombrg

² Nike

³ Barro- Lee

۲۰۰۰، ۲۰۰۵، ۲۰۱۰، موجود بوده است. برای سال‌های مابین، متوسط نرخ رشد متغیر مذکور محاسبه و داده‌های سال‌های میانی بر اساس آن تکمیل شده‌اند. علی‌رغم آن که انتظار بر این است که سرمایه انسانی اثر مثبتی بر رشد اقتصادی داشته باشد (بن حبیب و اشپیکل^۱ (۱۹۹۴) و بارو و سالای مارتین^۲ (۱۹۹۵))، مطالعات تجربی دیگری مانند پریجت^۳ (۱۹۹۶)، اسلام^۴ (۱۹۹۵) و لائو، جمیسن و لائو^۵ (۱۹۹۱) وجود دارند که از بی‌معنا بودن و یا منفی بودن اثر آموزش بر رشد اقتصادی حکایت دارند. اندازه دولت متغیر توضیحی دیگری است که همانند یک شمشیر دو لبه عمل می‌کند. از یک سو می‌تواند موجب شکوفایی و رشد اقتصادی شود و از طرف دیگر می‌تواند تأثیر منفی بر رشد اقتصادی داشته باشد. بارو (۱۹۸۹) اظهار می‌دارد، هنگامی که مخارج دولت در راستای تصحیح اثرات جانبی انحصارها و مسائل مربوط به کالاهای عمومی باشد می‌تواند موجب تقویت رشد اقتصادی شود. اما نتایج مطالعات بارو (۱۹۹۰)، لاندائو^۶ (۱۹۸۹) و رومر^۷ (۱۹۸۶) نشان می‌دهد که سهم دولت از تولید ناخالص داخلی تأثیر منفی بر رشد اقتصادی داشته است.

سهم سرمایه‌گذاری از تولید ناخالص داخلی و درجه بازی اقتصاد دو متغیری هستند که می‌توانند موجب رشد اقتصادی شوند. در این مطالعه از نسبت مجموع صادرات و واردات به تولید ناخالص داخلی به عنوان شاخصی برای درجه بازبودن اقتصاد استفاده شده است. مطالعاتی چون هاریسون^۸ (۱۹۹۶) و دلار^۹ (۱۹۹۲) رابطه مستقیم بین شاخص درجه باز بودن اقتصاد و رشد اقتصادی را تأیید می‌کنند.

توصیف داده‌ها با تأکید بر ایران

در این مطالعه با توجه به حداکثر داده‌های موجود، به منظور بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا، از ۱۳ کشور منطقه مناطی دوره ۲۰۱۲-۱۹۹۶ استفاده شده است. کشورها عبارتند از: الجزایر، امارات متحده عربی، بحرین، مصر، ایران، اردن، کویت، لیبی، مالت، قطر، عربستان سعودی، تونس و یمن.

داده‌های مورد استفاده عبارتند از: رشد سالانه تولید ناخالص داخلی، متوسط شاخص‌های حکمرانی و کیفیت نهادها به عنوان شاخص سرمایه اجتماعی، متوسط سال‌های تحصیل افراد ۱۵ سال به بالا به عنوان شاخصی برای سرمایه انسانی، تشکیل سرمایه ناخالص (به صورت درصدی از GDP)، هزینه‌های مصرفی نهایی دولت (به صورت درصدی از GDP)، نسبت اشتغال به کل جمعیت شاغل به عنوان نیروی کار، مجموع صادرات و واردات (به صورت درصدی از GDP).

داده‌های مربوط به شاخص‌های حکمرانی و کیفیت نهادها از WGI^{۱۰}: که از ادغام یافته‌های مؤسسات مختلف بین‌المللی هم‌چون^{۱۱} EIU^{۱۲}، ICRG، بنیاد هریتیج و خانه آزادی پیرامون وضعیت اقتصادی و سیاسی و اجتماعی کشورها به دست آمده است. داده‌های متوسط سال‌های آموزش افراد ۱۵ سال به بالا از سایت بانک جهانی (۲۰۱۱) و دیگر داده‌ها از سایت بانک جهانی (شاخص‌های توسعه جهانی^{۱۳} WDI) اخذ شده است.

کشورهای عمده تولیدکننده نفت که در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا قرار دارند به منطقه معروف می‌باشند. حد این منطقه از کشور مراکش در شمال غربی قاره آفریقا آغاز می‌شود و تا ایران، شرقی‌ترین کشور منطقه خاورمیانه امتداد می‌یابد. این منطقه دارای ۶۰ درصد منابع نفتی و ۴۵ درصد منابع گازی جهان می‌باشد. اقتصاد این کشورها رابطه تنگاتنگی با تغییرات جهانی بهای نفت دارد.

¹ Benhabib & Spiegel

² Barro & Martin

³ Pritchett

⁴ Islam

⁵ Lau, Jemison and Louat

⁶ Landau

⁷ Romer

⁸ Harrison

⁹ Dollar

¹⁰ Worldwide Governance Indicators

¹¹ International Country Risk Guide

¹² Economist Intelligence Unit

¹³ World Development Indicators

آمارهای ارائه شده از سوی بانک جهانی نشان می‌دهد متوسط رشد اقتصادی جهان در دوره ۱۳ ساله ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۲ بالغ بر ۲٫۷ درصد بوده است. که طی این دوره اقتصاد خاورمیانه و شمال آفریقا نیز ۴٫۶ درصد رشد داشته است. در رده بندی جهانی، جمهوری آذربایجان بالاترین رشد اقتصادی را داشته است، متوسط رشد اقتصادی این کشور ۱۴٫۸ درصد اعلام شده است، پس از این کشور، قطر با رشد ۱۴ درصدی در جایگاه دوم قرار دارد. بانک جهانی متوسط رشد اقتصادی ایران را طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۲ بالغ بر ۴٫۸ درصد بوده است که بالاتر از رشد اقتصادی ۱۲۸ کشور جهان است. ایران از نظر رشد اقتصادی در این دوره رتبه ۶۷ جهان را به دست آورده است.

اقتصاد ایران پس از ثبت نرخ‌های رشد اقتصادی نسبتاً مناسب (میانگین ۶/۵ درصد) و حفظ رونق اقتصادی طی دوره ۲۰۰۶-۲۰۰۲، با تضعیف رشد اقتصادی (میانگین ۱/۴ درصد) طی دوره ۲۰۱۱-۲۰۰۷ مواجه شده است. این امر به ویژه در شرایطی اتفاق افتاده است که درآمدهای نفتی در نیمه‌ی دوم دهه‌ی هشتاد، معادل ۴۴۵ میلیارد دلار و بیش از دو برابر درآمد ۲۰۲ میلیارد دلاری نفت در نیمه‌ی اول دهه‌ی ۸۰ بوده است. کاهش محسوس رشد اقتصادی به ویژه در سال ۲۰۰۷، با رسیدن به نرخ ۰/۸ درصد و تشدید رکود اقتصادی قابل تامل است. در حالی که نرخ رشد اقتصادی در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ افزایش یافت و انتظار می‌رفت اقتصاد کشور از شرایط رکود اقتصادی خارج شود، از سال ۲۰۱۰ رشد اقتصادی مجدداً به ۳ درصد کاهش یافت و آمارها از منفی شدن رشد اقتصادی در سال ۲۰۱۱ حکایت می‌کرد. هم‌چنین، کاهش رتبه رشد اقتصادی ایران از ۱۸ به ۲۳ بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۲ حاکی از ورود ایران به دوران رکود است. از مهم‌ترین عوامل نوسانات روند رشد اقتصادی در طی دوره ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۲ را می‌توان به کاهش تولید و فروش نفت، کاهش سرمایه‌گذاری‌های دولتی، تعیین دستوری نرخ سود بانکی، نرخ بالا و بی‌ثبات رشد حجم نقدینگی، روابط خارجی تنش‌آمیز و تحریم‌ها نسبت داد.

حکمرانی خوب و کیفیت نهادها که به عنوان شاخص سرمایه اجتماعی در این مطالعه استفاده شده است از طریق شش شاخص کنترل فساد، حاکمیت قانون، کیفیت قوانین و مقررات، اثربخشی دولت، ثبات سیاسی و حق اظهارنظر و پاسخگویی توسط نهادهای بین‌المللی بررسی می‌شود و وضعیت هر کشور و هر دولت و نمره و رتبه و جایگاه آن در بین کشورهای جهان هر سال اعلام می‌شود. بانک جهانی این بررسی را برای ۱۷۸ کشور جهان انجام داده و نمره هر یک از این شش شاخص را از منهای دو تا به اضافه دو (+۲) در نظر می‌گیرد.

در شاخص حق اظهارنظر و پاسخگویی طی دوره ۲۰۰۶-۲۰۰۲ کشورهای فلسطین اشغالی با نمره ۷۰/۲، کویت با ۳۵/۶، قطر با ۳۱/۷ در رتبه‌های اول تا سوم بوده‌اند و رتبه‌های بعدی به ترتیب به لبنان، اردن، مراکش، بحرین، عمان، امارات متحده عربی، غزه (کرانه باختری)، الجزایر، جیبوتی، یمن، مصر، تونس، ایران، عربستان، عراق، سوریه و لیبی اختصاص دارند. از نظر ثبات سیاسی بهترین نمره را کشورهای قطر، امارات، عمان و کویت دریافت کرده‌اند و بعد از ایران نیز کشورهای بی‌ثبات سیاسی یمن، لبنان، کرانه باختری (غزه) و عراق قرار دارند. از لحاظ شاخص اثربخشی دولت بهترین نمره‌ها نصیب کشورهای فلسطین اشغالی، امارات، تونس و قطر شده است و بعد از ایران بدترین کشورها لیبی، یمن، جیبوتی، سوریه، کرانه باختری (غزه) و عراق بوده‌اند. از نظر شاخص کنترل فساد نیز ایران با نمره ۳۳/۵ در سال ۲۰۰۶ و ۴۷/۶ در سال ۲۰۰۲، رتبه ۱۴ را در بین ۲۰ کشور منطقه به دست آورده و بعد از ایران کشورهای یمن، سوریه، جیبوتی، لیبی، کرانه باختری (غزه) عراق قرار داشته‌اند. بهترین نمره و رتبه‌ها را کشورهای امارات، فلسطین اشغالی، قطر و عمان به دست آورده‌اند.

ایران در سال ۲۰۰۶ در بین کشورهای منطقه رتبه ۱۸ را کسب کرده‌است و بعد از ایران دو کشور یمن و عراق قرار داشته‌اند و همچنین ایران در شاخص کنترل فساد طی سال ۲۰۱۲ دارای نمره ۲۳/۴ می‌باشد. بهترین رتبه‌ها از نظر شاخص حاکمیت قانون مربوط به کشورهای قطر، کویت، عمان، امارات و فلسطین اشغالی بوده‌است.

برآورد الگو

قبل از برآورد الگوی مورد نظر از آزمون‌های متعارف جهت تشخیص داده‌های تابلویی یا تلفیقی، و وجود اثرات تصادفی و یا اثرات ثابت استفاده شد. که بر اساس آن‌ها استفاده از روش اثرات ثابت تأیید گردید (جدول ۱).

جدول (۱): نتایج حاصل از آزمون هاسمن و F

نوع آزمون	آماره آزمون	سطح معناداری	نتیجه
آزمون F	۵۶	۰/۰۰۰	تأیید مدل اثرات ثابت در برابر داده‌های تلفیقی
آزمون هاسمن	۴۴/۶۹	۰/۰۰۰	تأیید مدل اثر ثابت در برابر مدل اثر تصادفی

مدل تحقیق جهت بررسی اثر سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی، به جهت رفع خود همبستگی، با روش حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS)^۱، برآورد گردید که نتایج آن در جدول (۲) آمده است. براساس ضریب کای دو برآوردی، رگرسیون در کل معنادار است. هم‌چنین آماره آزمون و مقایسه آن با مقادیر بحرانی جکایت از معناداری اکثر متغیرها در سطح ۹۹ درصد است

جدول (۲): نتایج حاصل از برآورد مدل با روش EGLS

متغیرهای توضیحی	ضریب	انحراف معیار	احتمال
سرمایه اجتماعی	۰/۰۱۸	۰/۰۰۴	۰/۰۰۰
سرمایه انسانی	-۰/۱۲	۰/۰۵۳	۰/۰۲۰
سرمایه فیزیکی	۰/۱۳	۰/۰۱۶	۰/۰۰۰
نیروی کار	۰/۰۴۷	۰/۰۱۱	۰/۰۰۰
اندازه دولت	-۰/۱۶	۰/۰۳۱	۰/۰۰۰
درجه باز بودن اقتصاد	۰/۰۱۱	۰/۰۰۴	۰/۰۰۶
عرض از مبدأ	۱/۶۴	۰/۸۴۲	۰/۰۵۲
متغیر وابسته: رشد سالانه تولید ناخالص داخلی کشورهای منتخب خاورمیانه و شمال آفریقا در ۱۹۹۶ تا ۲۰۱۲			

ضریب سرمایه انسانی که متوسط سال‌های تحصیل در نظر گرفته شده است معنادار و منفی است، هانوشک و کیم^۲ (۱۹۹۵) و برولی (۱۹۹۷)، این عدم هم‌سویی میان مباحث نظری سرمایه انسانی و رشد اقتصادی با یافته‌های مطالعات تجربی، عدم لحاظ کیفیت سرمایه انسانی در مطالعات دانسته‌اند و گروهی دیگر مدعی شده‌اند که کانال اثرگذاری تحصیلات بر رشد اقتصادی کانال ضعیفی است و در حقیقت رشد اقتصادی را عامل توسعه سرمایه انسانی دانسته‌اند (بیلز و کلنو^۳، ۲۰۰۰ و ۱۹۹۸). هم‌چنین لوپز و توماس و ونگ^۴ (۱۹۹۸)، نادیده گرفتن چگونگی توزیع تحصیلات نیروی کار را موجب بروز این مشکل، یعنی منفی شدن اثر سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی در بین کشورهای مختلف دانسته‌اند. اندازه دولت با رشد اقتصادی رابطه منفی و معنادار دارد و با افزایش ۱ درصدی نسبت مخارج دولت به تولید ناخالص داخلی، رشد اقتصادی ۰٫۱۶ درصد کاهش می‌یابد. طبق پیشگفته، هزینه‌های دولت همانند یک چاقوی دولبه است. افزایش مصارف دولت می‌تواند از طریق افزایش سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی، زمینه را برای افزایش رشد اقتصادی به ارمغان آورد و از سوی دیگر می‌تواند با سیاست‌گذاری‌های نامناسب موجب اختلال در تصمیمات کارگزاران و در نهایت باعث کاهش رشد اقتصادی گردد.

در مطالعات، نتایج حاصل از تخمین توابع تولید و معادلات رشد همگی نشان از اهمیت سرمایه اجتماعی دارند. ضریب سرمایه اجتماعی در تابع تولید و در معادله رشد همواره مثبت است که نشان دهنده اهمیت روابط بین افراد در کنار سایر عوامل تولید است.

¹ Generalized least squares

² Hanushek & Kim

³ Bils & Klenow

⁴ Lopez & etal

در این مطالعه علامت سرمایه اجتماعی مطابق با انتظار بوده است. ضریب به دست آمده حاکی از آنست که افزایش ۱ درصدی سرمایه اجتماعی با فرض ثبات سایر شرایط، موجب ۰,۱۸ درصد افزایش در رشد اقتصادی شده است. تشکیل سرمایه ناخالص و سرمایه-گذاری در تجهیزات و دارایی‌های مادی یک عامل اولیه و مهم جهت ایجاد زمینه رشد اقتصادی محسوب می‌شود و انتظار بر این است که اثر مثبت و معنادار بر رشد اقتصادی داشته باشد. ضریب این سرمایه ۰,۱۳ برآورد گردید. نیروی کار یکی از مهم‌ترین عوامل تولید به شمار می‌آید. متغیر مورد استفاده در این مطالعه برای نیروی کار، نسبت جمعیت شاغل بالای ۱۵ سال به کل جمعیت می‌باشد، که به ازای افزایش ۱ درصد در این نرخ، رشد اقتصادی ۰,۴۷ درصدی می‌یابد. در این مطالعه از مجموع صادرات و واردات بر تولید ناخالص داخلی، به عنوان درجه باز بودن اقتصاد استفاده شده است. ضریب و سطح معناداری آن در مدل نشان دهنده تاثیر مثبت و معنادار این متغیر بر رشد اقتصادی است.

نتیجه‌گیری

نقش سرمایه اجتماعی در رشد و توسعه اقتصادی از اهمیت بالایی برخوردار است. با این وجود، توجه به نقش سرمایه اجتماعی در فعالیت‌های اقتصادی در کشورهای در حال توسعه از اهمیت کم‌تری برخوردار است. با توجه به اهمیت موضوع، در این پژوهش اثر سرمایه اجتماعی به همراه برخی عوامل اثرگذار بر نرخ رشد اقتصادی کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا طی سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۱۲ بررسی گردید. بر اساس ضرایب برآوردی الگو، با افزایش سرمایه اجتماعی، نرخ سالانه رشد تولید ناخالص داخلی افزایش می‌یابد (همانند مطالعه‌ی نک و کیفر (۱۹۹۷)، زاگ و نک (۲۰۰۱) و بولیا و همکاران (۲۰۰۸)). اثرگذاری منفی سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی می‌تواند بیانگر عدم لحاظ کیفیت سرمایه انسانی در مطالعه باشد و یا این که کانال اثرگذاری تحصیلات بر رشد اقتصادی این کشورها ضعیف است و یا مهم‌تر این که به دلیل عدم استفاده از سرمایه‌های انسانی در جایگاه درست آن باشد. به عبارتی هنگامی که تربیت نیروی انسانی براساس نیازهای بازار کار نباشد این پدیده قابل انتظار است. بنابراین نمی‌توان با کاهش این سرمایه انتظار افزایش رشد اقتصادی را داشت. به عبارتی علامت منفی این سرمایه که در مباحث رشد درون‌زا بر اثربخشی مثبت آن بر رشد اقتصادی تاکید شده است زنگ خطری برای سیاست‌گذاران این کشورهاست که در آموزش متناسب با نیازهای بازار کار سرمایه‌گذاری کنند تا به اتلاف منابع منتهی نشود. زیرا، عدم تناسب سطح تحصیلات با اشتغال سبب می‌شود تا سرمایه‌گذاری بر روی آموزش نتواند به طور مستقیم مورد بهره‌برداری قرار گیرد و اثر مثبت و معنادار بر رشد اقتصادی داشته باشد. تاثیر سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی مثبت و معنادار بوده است که نشان دهنده اهمیت روابط بین افراد در کنار سایر عوامل تولید است. از این رو دولت‌ها باید در شکل‌گیری و پایداری این نوع از سرمایه اهتمام ورزند.

منابع

۱. بوردیو، پیر (۱۹۸۶)، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، اشکال سرمایه، تهران: نشر شیرازه، ۱۳۸۴.
۲. پاتنام، رابرت (۱۹۹۵)، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، تهران: نشر شیرازه، ۱۳۸۴.
۳. تقی‌زاده، زهرا و علمی، زهرا میلا (۱۳۹۲)، اثر سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی ایران با استفاده از الگوی خودرگرسیو با وقفه توزیعی، چهارمین همایش ملی دانشجویی اقتصاد ایران.
۴. حیدری، حسن و فعالجو، حمیدرضا و نظریان، علمناز و محمدزاده، یوسف (۱۳۹۲)، سرمایه اجتماعی، سرمایه سلامت و رشد اقتصادی در کشورهای خاورمیانه، فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، شماره ۱۱، صفحات ۷۴-۵۸.
۵. رحمانی، تیمور و عباسی‌نژاد، حسین و امیری، میثم (۱۳۸۶)، بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی ایران، مطالعه موردی: استان‌های کشور با روش اقتصادسنجی فضائی، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، شماره ۲، صفحات ۲۶-۱.
۶. سوری، علی (۱۳۹۳)، سرمایه اجتماعی و رشد در ایران، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، شماره ۶۹، صفحات ۶۴-۴۹.
۷. صفدری، مهدی و کریم، محمدحسین و خسروی محمدرسول (۱۳۸۷)، فصلنامه اقتصاد مقداری (بررسی‌های اقتصادی سابق)، شماره ۲، صفحات ۶۱-۳۹.

۸. صمدی، علی حسین و مرزبان، حسین و اسدیان فلاحیه، کوثر (۱۳۹۱)، سرمایه انسانی، سرمایه اجتماعی و رشد اقتصادی، مطالعه موردی: اقتصاد ایران (۱۳۸۷-۱۳۵۰)، شماره ۲، صفحات ۱۷۶-۱۴۵.
۹. صیادزاده، علی و علمی، زهرا (۱۳۹۲)، رابطه فسا و سرمایه اجتماعی در الگوهای رشد، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، شماره ۵۰، صفحات ۳۵-۷.
۱۰. علمی، زهرا میلا و شارخ پور، محمود و حسینی، امیرحسین (۱۳۸۱)، سرمایه اجتماعی و چگونگی تأثیر آن بر اقتصاد، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۷۱، صفحات ۲۹۶-۲۳۹.
۱۱. علمی، زهرا و صیادزاده، علی (۱۳۸۷)، فساد، اندازه دولت و درجه بازبودن اقتصاد، مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۱.
۱۲. کلمن، جیمز (۱۹۸۸)، نقش سرمایه اجتماعی در ایجاد سرمایه انسانی، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، گردآورنده: کیان تاببخش، تهران ۱۳۸۴: نشر شیرازه.
۱۳. مجتهد، احمد و جوادی پور، سعید (۱۳۸۳)، بررسی اثر مخارج بهداشتی بر رشد اقتصادی (مطالعه موردی: کشورهای منتخب درحال توسعه)، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، شماره ۱۹، صفحات ۵۴-۳۱.
۱۴. نقدی، اسد... و سوری، علی (۱۳۸۸)، سرمایه اجتماعی و معمای رشد و توسعه، فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد شوشتر، شماره ۷، صفحات ۱۵۶-۱۴۵.
15. Aron, J. (2000). Growth and Institution: Review of Evidence. The World Bank Research Observer, pp. 99-135.
16. Barro, R. J., & Lee, J. W. (2000). International Data on Educational Attainment: Updates and Implications. NBER, Working Paper, 7911.
17. Barro, R.J. (1989). A cross country study of Growth, saving and government. NBER working paper.
18. Barro, R.J. (1990). Government spending in a simple model of Endogenous Growth. Journal of political Economy, pp.103-125.
19. Barro, R.J. (1996). Democracy and Growth, Journal of Economic Growth, pp. 1-27.
20. Barro, R.J., & Sala-i-Martin, X. (1995). Economic Growth; McGraw-Hill.
21. Benhabib, J., & Spiegel, M. (1994). The Role of Human Capital in Economic Development: Evidence from Cross National Aggregate Data. Journal of Monetary Economics.
22. Bils, M., & Klenow, P. J. (1998). Does Schooling Cause Growth or the Other Way Around? NBER Working Paper, 6369.
23. Bils, M., & Klenow, P. J. (2000). Does Schooling Cause Growth? NBER Working Paper.
24. Boulila, G., Bousrih, L., & Trabelsi, M. (2008). Social Capital and Economic Growth: Empirical Investigations on the Transmission Channls. International Economic Journal, Vol.22, No.3, pp 399-417.
25. Coleman, J. (1998). Social Capital in the Creation of Human Capital. American
26. Dollar, D. (1992). Outward-Oriented Developing Economies Really Do Grow More Rapidly: Evidence from 95 LDCs, 1976-1985. Economic Development and Cultural Change, University of Chicago Press, vol. 40(3), pp. 523-44.
27. Francois, P. (2002). Social Capital and Economic Development. Rutledge, First Published.
28. Fukuyama, F. (1997). Social Capital and the Modern Capitalist Economy: Creating a High Trust Workplace. Stern Business Magazine, 4(1).
29. Fukuyama, F. (1999). Social Capital and Civil Society. The Institute of Public Policy, George Mason University.
30. Harrison, A. (1996). Openness and growth: A time-series, cross-country analysis for developing countries. Journal of Development Economics, Elsevier, vol. 48(2), pp. 419-447.
31. Ishise, H., & Sawada, Y. (2008). Aggregate Returns to Social Capital: Estimates Based on the Augmented Augmented – Solow Model. Journal of Macroeconomics, 31(3), pp.376-393.
32. Islam, N. (1995). Growth Empirics: A Panel Data Approach. The Quarterly Journal of Economics, Vol 110, pp. 1127-1170. Journal of Sociology, pp 95-121.
33. Knack, S., & Keefer, P. (1997). Does Social Capital have an Economic Pay-off? A Cross Country Investing Action. Quarterly Journal of Economics, Vol. 112, No. 4, PP.1251-1288.
34. Landau, D. (1989). Government Expenditure and Economic Growth: A cross- country study. Southern Economic Journal, pp. 92-783.
35. Lau, L.J., & Jamison, D, T., & Louat, F. (1991). Education and Productivity in Developing Countries: An Aggregate Production Function Approach. Policy Research Working Paper 612, World Bank.
36. Lopez, R., & Thomas, V., & Wang, Y. (1998). Addressing the Education Puzzle: The Distribution of Education and Economic Reforms. World Bank.
37. Mankiw, N.G., Romer, D., & Weil, D.N. (1992). A 7Contribution to the Empirics of Economic Growth. Quarterly Journal of Economics, 107(2), pp. 407-437.
38. North, C.D. (1990). Institutions, Institutional Change and Economic Performance : (Political Economy of Institutions and Decisions), Cambridge University Press.
39. Paul M, R. (1986). Incrasing Returns of long Run Growth. Journal of political Economy, pp. 1002-1037.
40. Zak, P. J., & Knack, S. (2001). Trust and Growth. Economic Journal.